

# نسبت معلم به متعلم

طبیعت انسان بیان نموده است. برداشت دکتر محمد باقر حجتی از کتاب منیه المرید شهید ثانی چنین است:

" شاگرد و دانشجو باید با این اعتقاد به خود بنگرد که او فردی بیمار گونه میباشد. شخصیت آدمی فطرتاً بر اساس سلامتی روان و علم و بینش سرشته و استوار شده است. علت انحراف روح و روان انسان از مجرای طبیعی و مسیر علم و دانش و دین عبارت از غلبه و تسلط آمیزه‌های بدقوای بدنی است. زیرا او سعی میکند روح و روان شاگرد را در مسیر و مجرای طبیعی آن قرار دهد. بهمین جهت بهیچوجه شایسته نیست که از فرمان اوسر— بیجد. " (۲)

باتوجه به گفته‌های فوق در می‌یابیم که نقش معلم از بابت سلامت بخشیدن به روان انسانی شاگرد و بارور کردن قوای روحانی و معنوی او تا چه اندازه حائز اهمیت است. به یقین جهل و نادانی ناگوارترین بیماریهای انسان است. اگر جسم انسان را بیماریهای گوناگون تهدید میکند، عوامل بیماری و مایه فساد روان آدمی دوچندان و خطرات آن نیز بیشتر است. چه، جهل و بیماریهای روان تیشه به ریشه آدمیت و انسانیت نوع بشر می‌زند ولی بیماریهای جسمی به اعضاء و اندام انسان لطمه وارد می‌سازد. همانظریکه دسترسی به جسم آسان تر از روح است، دسترسی به بیماریهای

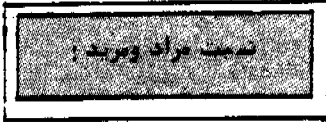


## ناصر کمالیان

طالب علم باید به استادش به عنوان یک پزشک متخصص دلسوز بنگرد... (۱)  
شهید ثانی مربی بزرگ اسلامی با ژرف اندیشی در جایی دیگر این عقیده خود را با توجه به



مقدس و عالی است . ذیلا به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم .



دکتر محمد غفرانی در کتاب پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام از دیدگاه — مدارس دوران نخست اسلام چنین آورده است که :

"دانش آموز باید در حلقه درس‌استاد آنچنان خود را بنماید که تنها استاد کعبه مراد اوست ، و تا استاد سخن تمام نکرده است ، لب به سؤال نگشاید . . . . . " (۵)

نسبت رهبرورهر — مطیع و مطاع :

" در مکتب اخوان الصفا استاد از احترامی خاص برخوردار بوده است و او را قائد و رهبر نام می‌نهادند . " (۶)

دکتر محمد غفرانی از نظر شهید ثانی ای — چنین بیان داشته است که :

" طالب علم باید بر خلاف نظر استاد از امری تبعیت ننماید و او را در مسائل آموزشی از خود آگاه تر بداند و به پند و اندرز وی گردن نهد و خشنودی او را بدست آورد . " (۷)

و باز در کلام رسای مولا علی (ع) می‌یابیم که خطاب به امام حسین (ع) می‌فرماید :

" . . . . . وَ إِنَّمَا قُلُوبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ : مَا الْيَقِي فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ فَيَاذُرُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَكْسُو قَلْبَكَ ، . . . . . " (۸)

" . . . . . و دل جوان همچون زمین خالی

است : هر تخم که در آن افشاندن شود بپذیرد پس به ادب نمودن تو پرداختم پیش از آنکه دلت سخت گردد . . . . . "

بدین سان حضرت علی (ع) سخن معلم و ادب

آن و مداوای آنها نیز ممکن تر و ساده‌تر از بیماریهای روحی انسان می‌باشد . به همین نسبت وظیفه پزشک جان و روان بسی خطیر تر و دشوارتر از پزشک جان و تن است .

ارج و منزلت انسان در دستگاه خلقت بیشتر به خاطر جنبه معنوی و روحانی اوست نه جنبه مادی و جسمی . زیرا جسم انسان چندان برتری و امتیازی هم بر جسم سایر موجودات ندارد تا منشأء عظمت فرزند آدم گردد ، بلکه این روح اوست که انسان را به درجه‌ای می‌رساند که بجز خدائیند که گفته‌اند :

"تن آدمی شریف است به جان آدمیت

نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

اگر آدمی به چشم است و زبان و گوش و بینی

چه میان نقش دیوار و میان آدمیت

رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند

بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت " (۳)

با توجه به این مفاهیم می‌توان گفت که معلم با شاهکار خلقت سروکار دارد . معلم است که در پی

دمیدن خداوند از روح مورد علاقه خود به جسم

آدمی (۴) از جان خویش بر او میدمد و ریشه

جهل و حیوانیت را در وجود او می‌خشکاند .

وجودش را با معارف آرایش می‌دهد . از این روست

که جا دارد معلم را طیب و معالج بیماریهای

انسانیت بشمار آورد . احساس این چنین نسبتی

در ذهن شاگرد موجب دلبستگی بیشتر او به معلم

شده و رابطه آنها را با معناتر می‌سازد .

بغیر از نسبت پدر و فرزند و پزشک و بیمار

صاحب نظران و عالمان اسلام رابطه معلم و متعلم را

به نسبتهای دیگری نیز تشبیه کرده‌اند ، که هر

یک به نوبه خود بیانگر اهمیت و ارزش این رابطه



۱۷



کننده را بمنزله بذری می داند که درزمین مستعد و آماده متعلم جوان قرار گرفته و قبیل از آنکه این خاک پر برکت به شوره زار و بایر تبدیل گردد آن را احیا می کند .

شهید ثانی ( رحمة الله علیه ) در معرفی این گونه نسبت ها بین معلم و متعلم این گونه سخن می گوید که :

استاد به منزله کشاورزی است که پیش از کشت زمین را برای بهره برداری آماده می کند و آن را از خس و خاشاک و دیگر آفات کشاورزی پاک می گرداند . . . . " ( ۹ )

### نسبت الگو و الگوبردار

در بعضی از منابع نسبت معلم و معلم را مانند نسبت الگو و یانمونه به مقلد بیان کرده اند ، و رفتار شاگرد را بازتاب و انعکاسی از شخصیت معلم دانسته اند . این امر بدان جهت است که بیشتر یادگیری انسان بویژه در مراحل کودکی تحت تاثیر تقلید قرار دارد . یکی از شایسته ترین و مهمترین نمونه و الگوهائی که برای تقلید قابل اعتماد است ، معلم می باشد . کما اینکه خداوند در قرآن کریم پیامبر گرامی اسلام (ص) را که بزرگترین معلم بشریت است بعنوان نیکوترین نمونه رفتار به بندگان خود معرفی فرموده و سرمشق قرار دادن او را در افکار و رفتار و گفتار سفارش نموده است .

"لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ" ( ۱۰ )  
 " البته پیغمبر خدا برای شما بهترین نمونه است . "

شهید ثانی درباه این چهره از روابط معلم و متعلم بدینگونه سخن گفته است :

" طالب علم باید در گزینش استاد دقت نظر داشته باشد . چه استاد برای شاگرد الگو ونمونه کردار و رفتار و سلوک زندگی فردی و اجتماعی بشمار می آید . " ( ۱۱ )

بطور مستقیم و غیر مستقیم معلم را مسئول همه افعال و رفتار و تغییر و تحولاتی می سازد که از متعلم مشاهده می گردد . بطوری که می توان گفت رفتار هر شاگردی تا اندازه زیادی نشان دهنده رفتار و سکنات معلمین او می باشد .

(۱) پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام دکتر محمد

غفرانی ص ۱۰۴ و ۱۳۹ و ۱۸۵

(۲) آداب تعلیم و تعلم در اسلام ، ترجمه دکتر محمد باقر حجتی ( ۱۳۵۹ صفحه ۳۲۱ و ۳۲۲ )

(۳) سعدی

(۴) اشاره به آیه ۲۹ سوره حجر ( فـ اذ ا سوبته . . . )

(۵) و (۶) و (۷) پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام ، دکتر محمد غفرانی ( ۱۳۵۷ به ترتیب صفحات ۱۹ و ۱۷۵ و ۱۴۱ )

(۸) نهج البلاغه صفحه ۹۱۲ نامه ۳۱ عبارتهای ۱۱ و ۱۲

(۹) پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام ، دکتر محمد غفرانی ( ۱۳۵۷ صفحه ۱۳۸ )

(۱۰) قرآن کریم سوره احزاب آیه ۲۱ ( ۱۳۵۷ صفحه ۱۳۸ )

(۱۱) پایگاه تعلیم و تربیت در اسلام ، دکتر محمد غفرانی (۳) آداب تعلیم و تعلم در اسلام ترجمه دکتر محمد باقر حجتی ( ۱۳۵۹ صفحه ۲۱۷ )

(۱۲) روشهای تربیت اسلامی ، محسن شکوهی یکتا و دیگران ( ۱۳۶۲ صفحه ۱۳ )

(۱۳) روشهای تربیت اسلامی ، محسن شکوهی یکتا و دیگران ( ۱۳۶۲ صفحه ۹ )

او باز در همین مورد فرموده است :

" بطور خلاصه باید گفت : قضیه معلم و شاگرد از لحاظ نقش پذیری شاگرد نسبت به اعمال معلم همانا قضیه مهر و موم می باشد که در موم تمام نقش و تصویرهایی که در مهر وجود دارد منعکس می شود . " ( ۱۲ )

در باب الگو و نمونه بودن معلم و نقش پذیری شاگرد در منابع تعلیم و تربیت اسلامی سخن به تفصیل رفته است . به راستی معلم چه بخواید چه نخواهد مورد توجه و تقلید شاگرد قرار میگیرد .  
خواجه عبدالله انصاری ( قدس سره ) میگوید :  
" دود از آتش نشان ندهد و خاک از باد ، که ظاهر از باطن و شاگرد از استاد . ( ۱۳ )

اهمیت نمونه و سرمشق بودن به آن درجه است که بیشتر معصومین ( علیهم السلام ) تاثیر آن را در رفتار و کردار مسلمانان متذکر شده اند . چنانکه امام جعفر صادق ( ع ) می فرماید :

( كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِلِسَانِكُمْ . ) ( ۱۵ )

" مردم را با رفتار خود به حق رهبری کنید نه با زبان خویش . "

با توجه به آنچه بیان گردید ، می توان نتیجه گرفت که معلم از لحاظ الگو بودن برای شاگرد وظیفه بسیار حساسی رابعهده دارد . این نسبت به معلم مسئولیتی می دهد که در هر حال مراقب گفتار و رفتار خود باشد . او نمی تواند مانند فردی معمولی از جامعه نسبت به امور مربوط به خود و شاگردانش بی تفاوت باشد . در حقیقت او چشم و چراغ منظران است زیرا آنها منتظرند که ببینند از طرف معلم چه الگویی ارائه می شود ، تا خود را با آن تطبیق دهند . این نسبت